

نیاز آن‌ها برای بقا بوده است؛ ولی آلودگی‌های تولید شده توسط کشورهای صنعتی در جهت تداوم امپریالیسم اقتصادی مورد نظر آن‌ها است. طبیعتاً آلودگی‌های ناشی از تلاش برای بقا و آلودگی‌های ناشی از فراوانی تولید و نیز مصرف بی‌رویه، با هم برابر نخواهند بود. اما این حقیقت پوشیده نخواهد ماند و در کنفرانس‌های متعدد بین‌المللی که پیرامون محیط‌زیست برگزار شده است، به‌مراتب بر مسئولیت تاریخی کشورهای صنعتی در تخریب محیط‌زیست تأکید شده است. در کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ تصمیم گرفته شد که کشورهای جهان باید در نگهداری و حفظ و بازیافت سلامت و انسجام اکوسیستم‌های کره‌زمین با یکدیگر همکاری کنند؛ و نیز این نکته به‌صراحت اعلام شد که با توجه به سهم متفاوت کشورهای جهان در تخریب محیط‌زیست، دولت‌ها دارای مسئولیت مشترک ولی متفاوت هستند. اصل مسئولیت مشترک ولی متفاوت که اولین بار در کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل شکل گرفت دارای دو وجه است؛ وجه اول مسئولیت‌های تاریخی متفاوت اعضا در ایجاد مشکل تغییرات اقلیمی و وجه دوم توانایی‌های متفاوت آن‌ها در رویارویی با آن. (Bodansky, 2016, p. 14)

هدایت‌کنندگان سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ معتقد بودند که تنها نیروی عظیم و خلاقانه‌ای که می‌تواند سکان را در دست بگیرد و بشریت را از بحران رو به تزیاید جهانی نجات دهد، وحدت و یک‌پارچگی همه‌ی کشورها است. همه‌ی کشورها باید بدون توجه به فقیر یا غنی بودن آن‌ها در مقابل توسعه‌ای پایدار و مستمر مسئول باشند. منابع طبیعی باید به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار گیرند، که پایداری محیط‌زیست سالم مورد خدشه قرار نگیرد و کره‌خاکی برای نسل‌های آینده قابل زیست باشد. (لواسانی، ۱۳۷۲، ص. ۲۱)

چارچوب کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل^۱ که در ریو در سال ۱۹۹۲ پذیرفته شد، اشاره می‌دارد که «اعضا باید سیستم اقلیمی را برای استفاده‌ی نسل‌های کنونی و آینده بر پایه‌ی تساوی و در تناسب با مسئولیت متفاوت، ولی مشترک و توانایی‌های نسبی خود، حفظ کنند». برای مخاطبینی که درون مذاکرات